سال دوم شماره ۲۷۱ — صبح سه شنبه ۴ اردیبهشت ماه ۱۳۲۴ — تك شماره یك ریال و نیم

آژیر

مدیر مسئول
جعفر پیشه وری
این روزنامه
عضو جبهه آزادی است
بوسیله هیئت تحریریه
منتشر میشود

روزهای انتشار یکشنبه - سه شنبه - پنجشنبه — تلفن ۹۸۱۷

آخرین اخبار جهان

آرتش سرخ به مرکز آلمان نزدیك شده است. آرتش هفتم مریکا تا مونیخ ۱۵ میل فاصله دارد - ولوتیا تصرف شد - مولوتوف و واشنگتن وارد شدو مذاکرات وزرای امور خارجه سه دولت شروع شد. سیاه‌گان شهر برن و ازنیانوم ژنرال دس را دایر بر تسلیم رود کرد وسیاه‌قطعی به آن شدو شروع شد. نمایندگان ۴۶ دولت بسا فرانسیسکو وارد شدند.

برلین سقوط میکند
عالم بشریت انتقام میکشد
وجدان‌ها لـــــذت میبرند

دوستان سعادت نوع انسانی خود را برای جشن پیروزی حاضر میکنند.

امروز سومین روز است که آرتش سرخ بپایتخت آلمان نازی قدم گذاشته داود آنرا از وجود میکروبهای فاسد کننده فاشیستی پاك میکند

این افسانه نیست . خیال واهی نیست ، حقیقت است حقیقت واقع و مشهود است که دلاوران اتحاد جماهیر شوروی سر درندد جانور را در لانه خودمیکوبند

برلین ، مقر آلمان هیتلری ، مقر کشوری که خیال احقانه جهان کشائی را با کمال وقاحت پدیدیا اعلان می کرد امروز زیر مشت های آهنین فرزندان آزادی‌خواه روس میناله ، زوزه‌میکشد زانو برمین زده التماس می کند بوزش وعفو و اغماض میخواهد اظهار ندامت و پشیمانی میکند به صبیین میگفتی و غلاکت خود نفرین و امنت می فرستد .

ملتی که روی هوس های واهی روی خیالات پوچ روی جهالت وحماقت می‌خواست دنیا را با قهر و غلبه زیر اسارت وبردگی بکشاند امروز آخر را که برای ملل دیگر بجنه بود چشید است معنی اسارت را میفهمد حقیقت خواریزی را احساس می کند . میفهمد که بجامه دیگران بازوسلاح وارد شدن بتنی‌چه . پایتخت ملل ضعیف از خودرا میدان جنگ وتاخت وتاز قراردادن چه معنی دارد . احساس می کند که شارد‌وم آلمان بالای همه‌چیز تمرتاخ وناگواری در بر داشته است

بگذار شهری که دنیا را بدریای خون وآتش تبدیل کرده بودبسوزد. بگذار مردمانیکه میلیون ها مردم بیگناه را بی‌خانمان ودربدر کرده‌بودند بی‌خانمان ودر در باشند.

بگذار قهرمانانیکه می خواستند مردمان صلحجو و زحمتکش لنین گراد وسایر شهرهای قهرمان روسیه‌شوروی را از گرسنگی تلف بکنند حلا معنی گرسنگی‌را بچشند.

بگذار ارتش قهرمان سرخ انتقام ملت های ضعیف، ناتوانی را که وحشیان نازی از پا درآورده بودند بکشند .

متاسف نباشید بگذارید بزنند بکوبند آثار نحس فولان فاشیستی را برای همیشه از روی زمین بردابنه محو ونابود بکنند

بگذارید آرتش قهرمانان برای همیشه فکر جهانگشائی را در خاك آلمان در بانتخت شوم نازی‌ها مدفون بسازد تا بگذارد دیگر جامه‌طلبان دیگر فکر جنگ وخونریزی را نتوانند بخود راه بدهند.

بگذارید تا بگذارد دیگر مرز کشورهای صلحجو نامردانه مورد حمله واقع نشود . شهرهای بی‌دفاع و بادفاع ویران نگردد . مادران بی گناه باچشم اشك بار فرزندان عزیز و سقط خودرا بی‌تکبیر شدنداولادهای بی‌آزار جنایی و بزرگان خود را از دست

باقی درصفحه ۴

کشور های متحده یوگوسلاوی
جائی که منشور آتلانتیك بطور اکمل اجرا می شود

در چهار سال های تاریك جنگ کنونی ، یکی از مواعید بسیار درخشانی که بملتهای کوچك و ضعف دنیا داده شده عبارت از مضمون « منشور — آتلانتیك » یعنی « حق آزادی کامل در انتخاب نوع حکومت » میباشد .

متاسفانه بجزدرممالك آزاد شده خاوری اروپا ، و فرانسه که مقتضیت برای آزادی خواهان وعناصر مترقی بسیار مساعد بوده ، تاکنون در دیگر کشور های آزاد شده نه تنها قدمی بسوی آن مقصود برداشته نشده ، بلکه با بروی کار آوردن عناصر ارتجیل «پیرلو» ، «پاپاندرئو» و ... گویدهاند که زمینه برای حکومت های زور گو وقلدر نظیر حکومت های پیش از جنگ فراهم سازند.

بهمین علت تاکنون در ایتالیا ، بلژیك ، هلند ... دیگر تقریبا هیچ گونه قدمی بسوی اجرای منویات وآمال توده ها حقیقی ملتها برداشته نشده ودریونان نیز بتقاضا های توده یونانی با گلوله وآتش جواب داده شده .

ولی در کشورهای خاوری اروپا ، از قبیل فنلاند ، بلغارستان ، لهستان ، مجارستان ، رومانی یوگوسلاوی اوضاع اجتماعی بطور کلی بنفع توده حقیقی و اکثریت ملت تغییر کرده و بمردم حق داده شده است که با آزادی کامل سرنوشت خویش را دردست بگیرند .

با اینکه اخبار چند هفته اخیر حاکی ازاصلاحات اجتماعی بسیارعمیقی به نفع اکثریت مردم درتمام کشور های فوق است ، ولی باید دانست که در یوگوسلاوی ، قدمهای بسیاراساسی‌تری برای تامین‌مال مختلفه ساکنان آن‌سرزمین برداشته شده است ، ویکی از عوامل موثر دراین اقدام بر عبارت از بودن عنصری مانند «مارشال تیتو» در راس دولت یوگوسلاوی است.

«مارشال تیتو» علاوه برآنکه از میان‌توده حقیقی وطبقات زجر برخاسته، ودودوران اشغال خاك میهن خویش ، با اتکاء به نیروی خاق مبارزه خونینی برای استقلال‌وروحانی کشور یوگوسلاوی شروع کرده وادامه داده است ، خصوصا پیروبك مکتب اجتماعی معین و روشن بوده طرفدارآزادی کامل ملت هسیا و اقلیت های ساکن یوگوسلاوی میباشد.

باقی درصفحه ۲

بقلم : پولووی

چگونه جنگ کردند وچه‌جوریروزمندشدند
بنام اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی

آلکسی کستروف سروان‌پست مهندس که در عبور از سی رود خانه کوچك و بزرك شرکت کرده وسرگی ناموفق سر کرد ارتش تانك که سه‌بار مجروح و چهارار باخطد نشان مفتخر گشته‌بود چگونگی بر خورد خویش را باعده از روسها در آنطرف یکی از رودخانه هائیکه پشت سر گذارده بودند برای‌من نقل میکرد :

سروان باصدای زکامی چنین آغاز سخن کرد

در نظر بگیرید که وضع دشوار بود .... شبانه‌مرطوب بود افرادخود را در قایق‌وبا بروی تیرهای چوب‌شانه و به آن سوی رود خانه فرستادم

ولی زمینی که تصرف کردیم بقدر یك کف دست بود در ان میان بیاد گمان موتوربزه سر کرد ناموفق هم بما پیوستند مبهت‌واستم موضع را مستحکم کنیم ولی خودمان میدانید که استحکامات دفاعی آلمانی هادرآنطرف رود خانه چه وضعی را دارا بود همه‌جا بربود از توپ ومسلسل و آن ملاحیکه جنگجویان‌ماجیغ جیغومی‌ماندند بطوریکه هرشاخ عالی‌دوه‌مرض سه جورآتش‌قرار گرفته بود از یك کف دست زمین متصرفی مارامم بیاد آتش گرفتند.

باقی درصفحه ۴

چاقو کشهای اصفهان کار خود را ادامه میدهند

آقای محبوب بقراطی بکبار دیگر عصر چهارشنبه شش بعد از ظهر در خیابان چهارباغ مورد حمله چاقوکشهای اصفهان واقع گردیده باچوب وزنجیر وسایر آلات های آزارهنده تمام اعضایش خورد و خمیر شده‌است

با دستور شهربانی که قطعا دست استاندار هم دخالت دارد از انتشار روزنامه‌های آزادیخواه‌جلو گیری میکنند.

در اصفهان امنیت وآسایش کاملا بهم‌خورده است کارگران شبها جرئت نمیکنند از خانه‌های خود بیرون بیایند

بقیه یادداشتهای مسافرت آذربایجان را در شماره آینده مطالعه فرمائید

خلم ار بابلزاده
مدیر روزنامه آرمان ملی

مشاهدات من در اصفهان

— ۷ —

گام برداشته و برمیدارند بلکه‌این‌صدا ها وناله ها ضامن صاعقه‌ومکن . روحهای درونی چند میلیون نفری است که در جنوب ساکن هستند و همه بدبختی و ذلت وفلاکت خود و سایر مردم ایران را در این سایه افکنده ارتجاع میدانند

گفتم جناب مرون اشتباه میکنید سایه وتاریکی وظلمت تنها در کشور ما نیست که از جنوب سایه افکنده و سایه افکن شده بلکه بهرجای دنیاکه قدم گذارید خوف ووحشت وهراس را از جنوب احساس میکنید مگرنمی‌بینید که طرف جنوب میدانید و خانه من وشما هیچوقت آفتاب نمیگیرد ومگر نمی‌شنوید که دکترها همیشه به اشخاص جاهل ونادانی مثل من ، همه ملت ایران توصیه می‌کنند که اطاق خوابمن و اطاق خواب خود را درمعرض آفتاب قرار دهندوازجنوب که همیشه سایه‌افکن است حذرورزند .

گفت ازشوخی بگذرید ، قدری جدی صحبت کنید وبگوئید به بینم در شمال چه خبراست گفتم اگرآذربایجان را میفرمائید آذربایجان دارد وچنانچه از گیلان ومازندران می‌پرسید دیگها برسرجوش و اگرهم خراسان را دو نظردارید خموش و آرام و چون پیش سردرپیش است ، گفت واستی‌آن هائی که چنین ازادی‌خواهان در آذربایجان و گیلان ومازندران تهیه‌بحریك روس ها ودولت شوروی میدانندواجع جنبش آزادی‌خواهان درجنوب چه میگویند ؟ گفتم قطعا آن را هم نتیجه آتش‌بك انگلیسها میدانند !

کم کم گفتگوی ما بشوخی‌وابتذال پیوست ووقتی خواستم ازاو جدا شوم گفتم راه شیراز چطوراست ، گفت در کمال ناامنی ، روزی نیست که ماشینی نزنند وکالائی غارت نبرند و آدمی نکشند .گفتم پس شما صلاح میدانید که من بشیراز روم گفت اگرزن همراه خود دارید شیراز خداحافظی کرده واز هم جدا شدیم و باتاق خالم ورفیق همسفرهراه افتاده وماشین تاکسی گرفته راه جلفا در پیش گرفتیم وقتی از پل زاینده رود میگذشتم مبالغات وکلمانی مثل زنده باد سید ضیاء زنده باد توده مرده باد توده زنده‌باد سیدضیاء دیدم که بردرو دیوارشهرنوشته شده بود وارد جلفا شدیم‌آنروز روزعید ارامنه بود ناقوس‌ها بصدا درآمده و گروهاگروه دخترو پسر جوان دیده میشدند که زیر بازوی یکدیگرراگرفته وروانه کلیسیا هستند ، بهزی بظهورنداشته بود که از جلفا بشور برگشتیم وپس‌ازصرف نهار درشکه ای صدا زده روانه منار جنبان گشته وسپس عزم دیدارومشاهده کارخانجات وملاقات با کارگران را نمودیم .

بقیه دارد

www.iran-archive.com

مطبوعات داخله

روزنامه ندای ملت

اولین شماره روزنامه ندای ملت ارگان حزب مردم بداداره رسیده این روزنامه در دو صفحه منتشر میشود . صاحب امتیاز آن آقای مصطفی طباطبائی بوده مقالات این روزنامه های حزبی مستقیماً بوسیله انتشار آن باهالی تحمیل میشود است .

ما رجع بحزب مردم نظریات خود را مکرر نوشته ایم .

روزنامه ندای ملت در سرمقاله خود بیکقوت برنامه روی اصول فیمابعد سالی کرده است .

ما در ایران روی اصول بحث کردن را کار بیهوده میدانیم برای اینکه در اینجا فکر نمایانده عمل نیست حرف انکار توفیر دارد ، مناسفانه در عمل مکرر دیده شده است که نویسندگان و سیاستمداران سیاست را با تئوری وفق میدهند ، مسئله را باعلن تطبیق میکنند از این جهت ما منتظر مقالات بعدی روزنامه ندای ملت خواهیم بود .

باید در هیئت تحریریه آن در مسائل جاری در پیش آمده ای روزنامه چه خواهد نوشت آن اهمیت دارد . باید دید آقایان مردمی ما چطور خواهند توانست « پرچمدار اتفاق و یگانگی و صمیمیت و از خود گذشتگی ، آزادیخواهان باشند » تا چه حد ممکن است ندای ملت در زبان مردم منعکس در ایران واقع بشود ، تا کدام وسیله حزب مردم میخواهد « حول اکثریت رضایت اقلیت » را پیشه کن نماید بهر صورت ما از انتشار ندای ملت خوشوقتیم برای اینکه بعقیده ما روزنامه های حزبی واو یا روش و مسلک ما هم موافق نباشد بهتر از روزنامه های فرادی خواهند بود . بالاخره جمهور و هیئت کمتر ممکن است آلت اغراض کوچك خصوصی واقع شود .

در این شماره ندای ملت نامه سر گشاده ای از آقای حسابی گشاده بنظر رسید که آقای پیشه وری را مخاطب قرار داده بود .

هیئت تحریریه آذربایجان ملاحظاتی لازم دید خودایشان نخست بعضی از نکات را جواب دهند اگرچه موضوع چه عمومی دارد و کارمندان هیئت تحریریه با جواب آقای پیشه وری کاملا یك وای و موافق می باشند .

مبارزه با ملخ

مطبوعی که از اداره تحقیق و تبلیغات وزارت کشاورزی خبر میدهند طبق گزارش های واصل از هریسان ملخ دربائی به تمام سواحل جنوبی ایران شدیداً حمله نموده و در نواحی خوزستان و فارس ، بندر عباس ، سیستان ، جنوب خراسان تخم ریزی کرده است .

وزارت کشاورزی برای جلوگیری از خطر و زیان این حشره به تمام نقاط مذکور وسائل کافی و مواد شیمیائی و کابین ارسال وعده تجربه فنی با اعتبار لازم اعزام داشته است .

همچنین ملخ دراکتی در نواحی آذربایجان و کرگان تخم ریزی نموده و در حدود یکصد و بیست هزار هکتار را آلوده کرده است و برای دفع این آفت نیز که خطر فوق العاده برای محصول شتری دارد وزارت کشاورزی در نواحی مذکور سازمان کامل و وسیعی ترتیب داده است چنانکه تاکنون بیست دستگاه هواپیما و پنجاه دستگاه کابین و سه دستگاه اتومبیل جیپ و سه دستگاه اتومبیل سواری و در حدود ۲۵۰۰ تن سموم و غیره و یکصد تن سم و چهار هزار حلب نفتین طیاره و سایر لوازم با بیش از پنجاه نفر کارمند فنی و اعتبار لازم باعتنای فوق الذکر فرستاده است و طرق تاکتیك های واصل مبارزه شروع شده است .

آذربایجان شرقی های بالا را وزارت کشاورزی باداره فرستاده است ما در صحت و سقم خبرها تحقیقات وزارت خانه مزبور را برخ مردم میکشیم باز اصرار داریم خدا کند که صحیح باشد ولی اداره نگارش و تبلیغات وزارت کشاورزی مقدمه ما مرواح دهاوا کم کرده عوض اینکه در دو میان زارع و فلاح تبلیغات بکند تبلیغ مردم شهر پرداخته مامورین و تغییر و تبدیل آنها را وسیله تبلیغ خنده آور خود قرار داده است .

تبلیغات کشاورزی را مامور دیگر میفهمیم آقایان میخواهند وزارت شانه و کارمندان آنرا بردرم بشناسانند که به آن احتیاجی نیست برای این کار یك اداره مخصوصی درست کردن نمیخواهد

خبرهای جهان

الحاق قوای شوروی بامریکا نزدیك است

مرکز صناد ارتش نهم امریکا فردو یکشب اینباره خبر گزاری فرانسه چنین خبر میدهد ما درست نمیدانیم که اداره های جنگی شوروی در کجا هستند ولی صدای آنها را میشنویم

امروز بعداز ظهر در بیست فرمان دهی یك گردان نیروی امریکائی در کرانه راست رود آب مدت یکساعت فرمانهای را که امر در نیروی بوسیله رادیو میدادند میشنیدند و موضوع جالب توجه آنست که آن سنوانیکه صدای مامور آنها را می شنویم و چند کیلومتر از ما بیشتر فاصله ندارد معذور مشاهده نشده اند گاه گاهی یك افسر روسی که باما بود دستگاه فرستنده خبر را گرفته و زبان روسی بگفت . این جاستوان (ز) در بیست فرمان دهی لشگر دهم امریکا مشغول شنیدن صحبت کنید

* * *

مسکو - چنانکه خبر گزاری فرانسه گزارش میدهد اعلامیه اداره اطلاعات شوروی در تفسیر عملیات روز بیست و دوم آوریل میتوید که نیروهای دسته مرکزی همواره حمله خود را بطرف درسد و شهرهای نمیناو وراهم - فیربرك - فیشرلاند - روهلاند - هوبرسوردا - بیشوف - وردا و همچنین دو شهر دیگر را تصرف کرده اند .

بعلاوه متجاوز از ده هزار تن اسیر و ۲۰۰ هواپیما از دشمن گرفته اند ، متجاوز از ۱۰۰ تانك و توپ خودکار از گرفته شده است .

اوضاع پیرامون برلن

پاریس خبر گزاری فرانسه مینویسد دمد که اکنون موضوع نبرد اودر بسا موضوع نبرد لیپه در میان بست و منفین بدو پیروزی خیلی بزرگ نزدیك شده اند که یکی الحاق نیروی شوروی بقوای آمریکا و دیگری سقوط برلن است

راجع بحمله بزرگ ارتش سرخ بین شودت و خلیج لاتین اخبار کمی در دست است فقط مسلم است که روسها در چندین نقطه باقوای عظیمی از رود اودر عبور کرده اند و در مقابل برلن پس از پیشرفت برق آسائی مشغول جنگ میباشند و در عین حال از جنوب واحدهای دیگر شوروی شهر را دروزده و بنزدیکی پوتسدام رسیده اند .

از شمال برلن نیز یك مانور دوراتی در کار است در آنجا قوای شوروی از کانکف گذشته اند در حدود یك مایلی و نیم قرای شوروی حمله برلن میباشند واین بزرگترین عمد نیرو و بزرگترین مقدار مواد جنگی که است که تاکنون در یکچنین منطقه محدودی تمرکز یافته است . دیشب رادیو آلمان خبر داد که ارایه های شوروی از و سن سی واقع در چهل کیلومتر لیبی برلن گذشته اند بعضی از ناظرین امور خارجی میگویند که آلمانها تصمیم دارند سنگ بنای از پایتخت دفاع کنند ، ولی میدانند که علاوه بر واحدهای گارد جدید و قوائی که به جبهه اودر فرستاده شده بود فرماندهی آلمان در شکست حمله بیرلن احضار نموده بود در جنوب جنگ شدیدی در ناحیه درسد ادامه دارد و روسها باستحکامات خارجی شهر رسیده اند .

اگر چه نیتوان خبر رسمی الحاق جلوداران شوروی و امریکائی را منتشر ساخت ولی مسلم است که الحاق بدو نیرو صورت گرفته است .

ارتش سرخ در برلن

مرز آلمان - خبر گزاری فرانسه خبر میدهد بنا باظهار رادیو مخفی آلمان هنا سرمقدم شوروی که از گوینك مشغول پیشرفت هستند اینك اوکلن کور کارگران را در جنوب خاوری برلن به خطر انداخته اند ایستگاه آنهالد نیز شده است .

در کوی های شمالی برلن تانکهای شوروی بخیابانهای پرتزلوز وشوتن هوستالك رسیده اند .

روسی با یك طرز غیر قابل مقاومتی داخل برلن میشوند

مسکو - چنانکه خبر گزاری فرانسه اطلاع میدهد یکی از خبر نگاران روزنامه پراودا همراه نیروهای شوروی که بر برلن رخنه نموده اند نوشته است .

سیل نیرو و وسایط نقلیه ما بایك عظمت فوق العاده ای در برلن پیش می روند .

غالبا جاده های اتومبیل رو برای عبور نیروهای کمکی و کابین های بی شمار و مهمات و خواربار ما گنجایش ندارند .

نیروهای رشید استالین همچنان پیش میروند و نیروهای آلمانی با تمام کوشش وجدیت خود بجلوگیری با به کند گردن سرعت سیر نیروهای ما قادر نمی باشند .

اوضاع جبهه آلمان

لندن - خبر گزاری پارس خبر می دهد که پیشرفت نیروی شوروی در داخل برلن ادامه دارد واضطراب و نگرانی نزدیکی در شهر حکمفرما است با اینکه تمام جاده های شهر بسته شده بسیاری از اهالی میکوشند خودرا از این جهنم خلاص کنند .

فرماندهی آلمان کلیه مردم را از پانزده تا ۶۵ سالگی برای دفاع از شهر بسیج کرده است و کلیه نیروهای ضد هوائی اکنون برعلیه تانکهای شوروی که لابتطع پیش میروند بکار افتاده است این خانه سنگین شوروی واقع در کوی هولی شهر را که تقریبا محاصره کرده بود پیوسته می کوبد .

یك مرض خودکشی غریبی درشهر شیوع یافته است بسیاری از اهالی برلن که در زیر زمینها پناه برده و حوار باز یکساعت ما را خود برده بودند مدت ۵۰ ساعت است که بر خوراك مانده اند ارتش اول آمریکا داخل دسو شمومخانه بعاله پیش میروند .

در خلود لایپزیك چند ستون از نیروی امریکا از رود مواد گذشته اند در پیرامون لایپزیك آمریکا ۱۸ هزار تن اسیر گرفتند .

ارتش سوم امریکا بین کیمنز و پاپرومه مشغول عبور از مرز چك اسلواکی می باشد ارتش هفتم آمریکا بطرف اورنبورگ و مونیخ جلو میروند ارتش اول فرانسه بکراه درپاچه کنستانس رسیده اند .

طبق آخرین اخبار واصل نیروهای شوروی باستگاه راه آهن فلسشتر - باخوف که یکی از ایستگاه های مهم برلن میباشد وازطرفی هم چهار کیلو متری دروازه برلن بورك که در مدخل آن نبرد نلندن واقع شده است رسیده اند .

وادیون برلن انتشارات خودرا موقوف کرده و تلفن بین برلن واستکهلم نیز مقطوع گردیده است .

در جنگ لاهوت واقع بین هانور و ویرتشوبك که آمریکائیها ۱ انجار کاملا از وجود دشمن پاك کرده اند ۵۰ هزار نفر آلمانی اسیر شده اند .

در شمال باختری هم بندر برمن مورد تهدید محاصره واقع گردیده است .

کاناداییها به بیست وپنج کیلومتری (امدن) رسیده اند .

از اخبار رسمی وزارت کشاورزی

مبارزه با موش صحرائی

پیرو خبر قبلی راجع بدفع موش صحرائی در مغان و اردبیل مامورین اعزامی وزارت کشاورزی مشغول مبارزه بوده و بموجب آخرین تلگرافی که وسیله تابعان در حدود چهل هزار هکتار اراضی آلوده را با موفقیت کامل مبارزه نموده اند .

* * *

لندن - نیروهای یوگوسلاوی نمر مرشك را که روبروی فیوم واقع شده تصرف نموده اند .

* * *

دهلی جدید - نیروهای آمریکائی در منطقه اوکیناوا دو جزیره کوچك موسوم به دیناره وسیزوکو را تصرف کرده اند ودر خود اوکیناوا هم به گرسی ناها نزدیك ده اند .

در برمه نیروهای انگلیس بسرعت بطرف رانگون سرازیر شده وبیش از سیصد و پنجاه کیلو متر از آنجا فاصله ندارند .

مقصرین جنگ در فنلاند

در خلاصه مسئله مقصرین جنگ رفته رفته مورد توجه بیشتری واقع میشود . اکنون کمیسیونی در پارلمان تشکیل و مشغول بررسی بیك رشته مسائل مربوط بشرکت فنلاند در جنگ میباشد . از جمله میخواهند بفهمند که چرا در بهار سال ۱۹۴۴ مذاکرات فنلاند با اتحاد جماهیر شوروی قطع گردید و چه علت باربین تاب پیمان منعقد گردید چونکه نیروهای آلمانی قبل از آغاز مذاکره و امضای پیمان در فنلاند پیاده شدند راجع باهداف عالی هم که در دوره جنگ بوقوع پیوسته است تحقیقات بعمل خواهد آمد .

مسئله لهستان

واشنگتن - خبر گزاری فرانسه خبر میدهد که امضای قرار دادلهستان و شوروی این را پیش آورده است که آیا مسئله لهستان را میتوان قبل از تشکیل انجمن سان فرانسیسکو حل کرد یا خیر ناظرین امور میگویند که در انجمنی که بین ایدن و استیتنوس تشکیل یافت هاریمان و ترومن میخواستند برای سازش بین سه دولت فرمول جدیدی تهیه کنند لکن اقدام استالین میرساند که دولت اتحاد جماهیر شوروی مصمم است جدا ازوم ورشو پشتیبانی نماید .

روزنامه های امریکا مصر صرحا به اهمیتی که جراید مسکو باعضای این پیمان داده اند اهمیت خاصی میدهند ولی مشاهدات ایدن و ایدن و را بروزنامه نگاران نشانه آن میدانند که بین امریکا و انگلیس راجع بمسئله لهستان سازش کامل حاصل است

وزارت امور خارجه امریکا در روز عصر راجع به پیمان جدید روسیه و لهستان خودداری نموده و طوری کلی از تفسیر اوضاع لهستان قبل از ورود مولوتف خودداری نموده .

لندن - بقرار اظهار خبر گزاری انگلیس نخست وزیر انگلستان هنگام عبور از بریستول که در آنجا به ارتست بون و الکساندر وزیران حزب کارگر دیدار دکترای حقوق اعطا کرد نطقی هم ایراد نمود در اثنای آن چنین گفت که پایان کار آلمان رویك است ولی وظیفه سرلشکران میدان نبرد است که پایان جنگ را اعلام دارند .

مهمان نخست وزیر انگلستان اضافه کرد که نباید پیش از شکست دشمن خاتم یافت یا وصمتیکات انگلیس در خاور دور حمله ور شد دست از مبارزه برداشت .

کشورهای متحده یوگوسلاوی

بقیه از صفحه اول

دورنمای پیش از جنگ تنها کشوری

که در آنجا مسئله ملیت و زبان بطور قطعی وسریعی حل شده و همه گونه اختلاف و نفاق بین ملتهای گوناگون از میان برخاسته بود ، اتحاد جماهیر شوروی بود که با اتکاء باصول علمی و اجتماعی مارکس آزادی زبان ، مذهب ، ومراسم ملی برای تمام ملتهای آن سرزمین تامین شده بود .

اینك برای اولین دفعه در اخبار خاورمیخوانیم که کشور یوگوسلاوی نیز نسبت بملت های یوغائی ساکن آن کشور روش کاملا مشابه با روش اتحاد جماهیر شوروی در پیش گرفته وبرای هر کدام از ملتهای مختلف حق تشکیل پارلمان و کابینه مستقلی اعطاء کرده است .

اگر در نظر داشته باشیم که در یوگوسلاوی پیش از جنگ فقط بسا یك حکومت زور وقلدری توانسته بود ، تشکل اختلاف وعدم رضایت های بین ملتهای مختلف را بطور سطحی از میان بردارند

ووحدت ظاهری را حفظ کنند ، وپس از حمله هیتلر بها ن کشور ، نازی ها کوشیدند با استفاده از این نفاق و اختلافات خانگی ، وجلب « کروآتها » وتشکیل یك دولت کروآسی مستقل لوذ خودرا در آنجا تامین نمایند ، آنوقت ماهیت این اقدام اساسی دولت یوگوسلاوی پی خواهیم برد .

زیرا با این ترتیب ، حد اکثر آزادی و حقوق مورد نظر ملت های ساکن یوگوسلاوی حل می شود و هیچ گونه مورد اختلافی برای آن ها باقی نمیماند .

این وضع یکی از نتایج منطقی و مثبت جنگ مقدس است ، و باید منتظر بود که بعض حاتمه جنگ اروپا قدمهای اساسی تری در این زمینه دید ، یکی کشورهای آزاد شده اروپا برداشته شود ، همچنانکه درچکوسلواکی نیز دولت جدید ، بسا دادن بکنوع استقلال داخلی به اقلیت ها ، موافق کرده است ، گواینکه بسا تشکیل یك دولت اسلواکی موافقت نکرده است

احمد - احمد

اثر واندا واسیلوسکایا -۱۹- ترجمه کریم کشاورز

فقط عشق

دیگر وجود نداره . گوئی در آن قریه سوخته — در این نقطه که یك دیگر را دیده دوست داشتند . گریشا بار دوم زنده باشد . مرگی که باز گشتی از آن نیست اثری باقی نمیگذارد . قبرش کجاست . درجاده‌های جنك برخم چگونه بجویدش . درصحنه های بیکرانه نبرد و میدانهای وحشتناك پیکار چگونه بیابدش وقتی اثری از خیابانها و خانه‌ها و باغهائی که درآن تابستان آفتابی شاهد عشق آنان بود باقی نمانده باشد —

مزار گریشا را چگونه توان یافت .

صدائی بگوشش رسید غرق اندیشه و بیکه خورد وفریادی برآورد یکی گفت

ماریا پاولونا

ناگهاد رمقابلش هیکلی انسانی پدید آمد . زنی بود سالخورده . دستهائی بسر داشت . به عصائی تکیه کرده بود مانند همه چیز اینجا خاکستری رنك و بزمرده بود

گفت:

— چطور مرا نمی شناسید ؟ من مکالوکینا هستم . شیر برایتان می‌آورم .

در چهره وحرکت ایشان وی چیزی ناظرش آشنا آمد . ماریا نام این زن سالخورده را تکرار کرد ولی نمی توانست صاحب آن را به خاطر بیاورد زن سالخورده سخت تر به عصا تکیه کرد و مادت صورت ماریا نگریست و گفت :

- پیر شده‌ام . همه‌ما پیر شده‌ایم . . .

اکنون ماریا اورا شناخت . یکلحظه — فقط برای یکلحظه — درنظر وی موهای جوگندمی و چینهای صورت از چهره این زن محوشد وازماوراء آن گونه های سرخ و صورت گرد وگیسوی مشکی وبراق و دندانهای سفید و نیسم دائم پدید آمد . ولی این شمائل گذشته که مانند پری از خاطرش گذشت ناپدید گشت

دست حقیقت واقع آن راچشمزد زن سالمندی که موهای خاکستری داشت در مقابلش ظاهرشد وگفت .

- آمدید جا های قدیمی را تماشا کنید ؟

ماریا نداشت بی اراده حرکتی کرد ودوست بدست‌سود .

— من میخواستم . . . من میخواستم ببینم . . .

گالوکینا دست بلند کرد بکرد خویش چرخانید وگوئی قلمرو اراضی خویشرا نشان می‌دهد وگفت :

— این است که میبینید چیزی باقی نمانده هر چه و سوزاندند . حالا این‌طور زندگی میکنیم .

فقط کنون‌ماریادرآن ازدیکی‌مسکن آدمی دید . مقداری آجر با گل اندود شده وروی آن شاخه و قطعات تخته سه‌لا وپارچه بزرگ آنگونه‌بود . شبیه‌لانه ناهمواری‌بوتو که جانوران تهیه کرده باشند . ولی ازاول آهنین‌زنك زده و خمیده دودی که بزحمت دیده می‌شد بر می آمد در این گذم آدم زندگی‌میکرد .

گالوکینا باز گفت .

- همه چیز را در پیرامونمان سوزاندند . چیزی باقی نگذاشتند .

پوت های بنزین بدست گرفته و بهرسو میدویدند و بهمه چیز می پاشیدند از هیچ خانه و انبار و اصطبلی فرو گذار نکردند . بعد از آنکه بر گشتیم نداشتم خانه ما کجا بود . خوب گریکوری ایوانویچ کجاست ؟

ماریا ابروی خویش گرد آورد . آن حقیقت باور نکردنی و غیر ممکن را که در مر حال حقیقت بود گفت گوئی بصدای بیگانه گوش میدهد بسخنان خویش گوش فرا داد .

- گریکوری . . . . مرد . . . .

بدلا اراده کلمات آگهی رسمی را که بگوشش تصح‌آمیز وبیروح بود تکرار کرد وگفت :

- دلیرانه جان سپرد .

فی الان از این سخنان بر طمطراق و رسمی که توان وشت و خواند و از دیگران از بیگانگان شنید ولی در باره عزیزی - خویش - زیاده‌ترهر نتوان گفت خیلی‌تر در نفس خویش‌احساس مکرد .

گالوکینا از طرز بیان و مفاد پاسخ وی در شگفت شد ومانند حقیقتی عادی و طبیعی استقبالش کرد .

راست است که گریکوری در نظر گالوکینا معنی سعادت نداشت — سعادتی که در یکروز گرم و آفتابی تابستان بوی روی آورده‌باشد نبود در گذشته گریکوری از لحاظ وی مهندسی بود که در کارخانه کار میکرد واز وی‌شیر میخرید .

و اکنون یکی ازمیلیونها نفری بود که «دلیرانه جان سپرد» .

ناگهان ماریا حس کرد که تنها ویکس بر فراز ویرانه های قریه ایستاده است . از اینکه آشنائی را دیده است متاسف گشت .

میخواست که این چهره آشنا نیز ناپدید شود بسوی گناهخویش بنگرد و با این چشمان بی اعتنا بوی ننگرد . گالوکینا بازگفت :

- شوهر من هم اینجا نیست . آن بالیو با همه خودمان رفت و دیگر خبرش نشد . پسرانم را هم آلمانها بدار آویختند .

آنجا بدرختان کاجی که منار کارخانه است دارهان زدند .

آگهی

خانه فرهنك وکس اطلاع میدهد که روز سه‌شنبه ٤ اردی بهشت ساعت ٥ بعد از ظهر در سینمای ستاره سعدی راسی آقای زاسار پنسکی راجع به « قوانین شوروی در خصوص ناشوئی و حفاظت مادران» خواهد بود

پس از سخنرانی فیلم‌داده خواهدشد .

ورود برای همه کس آزادمیباشد

۲ — ۲ ش ۳۹۷

نمایش دیدنی ، جذاوداب‌ن ، آشیرپسند

حاله چارلی

باشتراك بهترین هنرپیشگان بلغ و بمنظور بومیه شدن

روزنامه آزادگان

در سینما تاتر فرهنك واقع‌در خیابان لازاو

نمایش ساعت هفت بعد از ظهر روز شنبه هشتم اردی بهشت ۱۳۲٤ شروع خواهد شد

فراموش نکنید ، حتما بیائید و از تماشای این نمایش لذت ببرید و در ضمن بنشر یك روزنامه کهن سال ملی و آزادی خواه هم کمك نمائید

۲.۲ دفتر روزنامه آزادگان

چاپخانه داد

بابهترین وسایل ودراسرع وقت برای چاپ روزنامه ، مجله ، کتاب و سایر کارهای مطبوعاتی آماده است

انتهای امیریه جنب فرهنك تلفن ٦۲٥۸

آگهی

تاریخ ۲۱ر۱۱ر۲٤ آقای حسن بازرگان شناسنامه شماره ۲۹٦۹ باستناد بکبرك گواهینامه و رونوشت شناسنامه دادخواست شماره ۲۳ر۱ر۲۰٦۲ داده مانکه مرحوم زین العابدین (شاکرین) دارنده شناسنامه شماره ۲۸۸۹ در تاریخ ۱۱ر۱۱ر۱۳۲۱ در تهران خانگاه همیشگی بوده در مشهد وفات یافت ومتقاضی وآقایان محمد باقر شاکرین بشناسنامه شماره ۲۸۹۰۱ ومرتضی شاکرین شناسنامه‌شماره ۲۸۹۰۲ وعبدالله شاکرین بشناسنامه شماره ۲۰۰۲٦ ومهدی شاکرین شناسنامه شماره ۱۰٤ سران وبانو فاطمه معصومی بشناسنامه شماره ۱۵۰۰۸ و زهرا شاکرین بشناسنامه شماره ۲۸۹۰۳ و حمیده شاکرین بشناسنامه شماره ۲۰۰۳۵ دختران متوفی ، وارث منحصرش میباشند پس از شنیدن گواهی گواهان مراتب سه نوبت متوالی علنی بیکبار درروزنامه رسمی کشور شناسنامه و روزنامه آزاد آگهی منتشر تا باگذشتن مدت سه ماه از تاریخ نشر آگهی و اعلان متعرضی بر حسب تقاضا اقدام خواهد شد و در اگر غیر وصیتنامه از متوفی داده در ظرف مدت مزبور اعتراض والا هر وصیتنامه غیر از رسمی وسری اعتراض شود از درجه اعتبار ساقط خواهد بود .

نوبت اول ۲٤ر۲ر۲٤

رئیس کل دادگاههای بخش تهران امامی اهری

ش ۳۹۸

شماره پنجم مجله پیام نو را بخوانید

تا از زندگی دانشجویان ، دهقانان ، کارگران ، نویسندگان ، شعرا ازموسیقی ، مذهب ، صنایع وغیره شنوی باخبر شوید .

محل فروش «کتابخانه‌های معتبر»

این سخنان راکهم سادگی — گوئی از امری طبیعی صحبت میدارد گفت . ماریا خیالات کشیده آزرده گفت - گوئی این زن عمل قبیحی را مرتکب شده باشد و گفت :

- آری . آری . . . .

مواظب نگاه زن بود . گالوکینا به جایگاه خاکستری رنك مینگریست نگاهش سوی ساماتی که بوی سوختگی و حریق میداد ووقتی قریه و کارخانه در آن جای داشت بود ماریا پرسید

- اینجا جنك شد ؟

- نه - هیچ جنگی نشد . خودمانی ها قریه را جور زدند و این ها خودشان فرار کردند .

ماریا باز باطراف نظری کرد و پرسید ؛

- اگر جنگی نشد پس اینها چیست ؟

- مگر آدم از کارشان سردر میبرد . آلمانی آلمانی است . . . .

دو ماه این جا منزل کردند . همه خانه ها را گرفتند - مردم را بیرون کردند . ما تری جنگل و بغوله رفتیم و جا گرفتیم . وقتی رفتند هر چه بود آتش زدند . مشعل بدست گرفته و خانه های آغشته به‌بنزین را سوزاندند .

با ترتیب و انظم خانه ها را ویران کردند و طعمه حریق ساختند حتی از دیوار چوبی و تخته ها هم نگذاشتند

خبرهای کشور

در دبیرستان دارالفنون

روز شنبه ۸ اردیبهشت ماه در ساعت ۱۷ونیم بمناسبت جشن ۲۵ ساله استقلال آذربایجان شوروی مجلسی در دبیرستان دارالفنون برپا خواهد بود .

دستگیری جیب‌بر وعملیات او

اخیرا جیب‌بری دستگیر شده است که عملیات او شنیدنی است

درموقع‌عبوراز خیابان بدواعتداری آب دهان برروی لباس‌اشخاص انداخته وسپس به آنها بعنوان نافشانی اطلاع داده و خودش مشغول پاك نمودن آب دهان میگردیده ودرهمین ضمن‌محتویات جیب اشخاص را می‌ربوده‌است یکمرتبه بلافاصله پس‌از انجام عمل دستگیر ودر موقع اعزام بکلانتری مجددا وجوه مسروقه را بدون اینکه کسی‌ملتفت‌شود بجیب صاحبش گذارده و عمل را منکر گردیده است وچندین دفعه پس‌ازخرید چند قطعه قالی ازدورگردهاوجوهی را که بآنها پرداخته بعد از جیبشان می رباید پس از دستگیری در موقعی که لباسهایش مورد بازرسی قرار گرفته بود مقداری وجه از هکاف پارگی های کراوات و مقداری دیگر در هکاف لباس هاوعجیب‌تر از همه آنکه یك اسکناس ۵۰۰ ریالی درمقدمش‌یافت شده است نامبرده فعلا دراداره آگاهی مورد تعقیب است .

سرقت ۱۴ کامیون

مراغه ۲۰ فروردین — بعدازظهر دیروز درمحل مشهور قارقابزلای دی ۲٤ کیلومتری مراغه ۱۲ ماشین باری که بعضی بنزین‌میبردند وبعضی ازتیر ز می آمدند بعدمی سارق مسلح که تعدادشان به ۱۵۰ نفرمیرسید برخورد نموده ماشین ها را نگاهداشته ازفراری که مذاکره می کنند ازپنجاه هزار تومان تا هشتاد هزارتومان وجه نقد وچند عدل قطوره وفرش وپای و غیره سرقت میبرند و دونفرازمسافرین را نیزبا خنجرمجروح نموده بمراغه آورده‌اند

مساعدت با کشاورزان

چون محصول سال گذشته در بعضی نقاط بواسطه خشکسالی چندان‌رضایت بخش نبود وبیم آن میرفت که بعضی‌از کشاورزان نتوانندبذرمورد احتیاج‌خود را درپائیز سال گذشته‌تهیه نمایندوزارت کشاورزی تصمیم گرفت حتی الامکان به آنها از حیث بذر مساعدت نماید و در سال ۱۳۲٤ آنچه را که مساعدهداده است مسترد دارد .

از انبوه‌وحدود ۳۵۷۲ تن گندم و ۲۰۷۲ تن جو بین کشاورزان بوشهر رامهرمز . ساوه . بهبهان . فارس . خوزستان . کاشان . اصفهان . بندرلنگه بندر عباس . کرمان . مکران وحومه تهران‌توزیع اودوعلاوه باصدسی‌هکتار بوسیله ماشینهای کشاورزی طورامانی از اراضی دشت گرگان گندم کاری شده است ووضع زراعت این نقاط‌ابر خوب است .

«بهای اشتراك»

سالیانه	۲۵۰ ریال
ششماهه	۱٤۰ «

برای کارگران و کشاورزان و محصلین و کارمندان جزءدوائر صدی‌بیست تخفیف منظورمیگردد

بهای آگهیها بادفتر اداره‌است

چاپ اداره

خیابان فردوسی‌جنب چاپخانه توانا

www.iran-archive.com

اثر بر

برلین سقوط میکند

بقیه از صفحه اول

هستی ها و آشیانه های آرام مردم از غارت و یغما محفوظ بماند عرض و ناموس ها را کسی نتواند تعرض بکند

بگذارید صدای متحوسی که با عبارات «اینجا برلین» اینجا برلین روزی چندین بار دنیا را پر کرده بود می خواست با شکستن اعصاب پیروزی هیتلر را تامین بکند برای ابد خاموش باشد .

اگر میتوانستید منظره دهات خراب شهر های بربا ، خانواده های متلاشی ، جوانان بیوه وشمار مقتول، مردان خارج از تصور بعون آغشته را درنظر خود مجسم سازید آنوقت میفهمیدید ما چه میخواهیم بگوئیم و چرا از تماشای منظره سوختن برلین محظوظ می شویم برای چه دامان بحال این شهر زیبا که امروز بکسوره جهنم مبدل شده است میسوزد . میخواهیم بد تر از آن باشد . بهتر سوزد بیشتر خراب بشود .

تعالیم حضرت مسیح که میگوید اگر این صورتتان را سیلی زدند صورت دیگر تانرا عرضه کنید شاید برای کسانی که دست ازدور برآتش دارند بسیار عالی باشد ما تعالیم حضرت محمد و ا می شنویم حیات و او قصاص و انتقام می دانیم .

جزای کلوخ انداز بایدسنگ باشد ، برجانلوان خونخوار رحم ومروت غیر از بشیمانی فائده ندارد مادلمان می خواهد گفته سعدی را بکار بینیم که میگوید :

ترحم بر پلنگ تیز دندان ستمکاری بود بر گوسفندان

آری بعلتی که کور کورانه آلت دست یك عنصر خونخوار یك سادست با تمام نمی یك مشت اراذل و اوباش اقسار کسیخته شده نامردانه بملل ضعیفتر از خود بتازد یا بجان یك کشور وحشتکش وساده جوطمع میکند باید خارج از قانون اعلان بشود باید انتقام پس بدهد باید چشمش کور بشود تا بکبار دیگر کور ماجراجویان را نخوردد تا اصولا آزادی و شرافت انسانی را زیر پا نگذارد .

ملت اطریش چه گناه داشت ؟ ملت چکوسلواکی چه کرده بود ؟ ملت یونان چه تقصیر داشت ؟ یوگوسلاوی به کار از دستش بر می آمد ؟ ملل فرانسه و بلژیك وهلند ولوکزامبورك و لهستان ونوروژ چه می خواستند بکنند بالاخره روسیه شوروی که بعد از جنگ بین — المللی گذشته اینهمه خونریزیات آلمان کرده بود چرا مورد پسند نیتوانست واقع بشود ؟

ملتی که اینقدر خودپسند و مغرور و از خود راضی شد باید کتك بخورد . باید از پای در بیاید باید از آزادی عمل محروم بشود باید مدت طولانی در اسارت وبدبختی بسر ببرد تا آدم بشود تا معنی انسانیت را بفهمد تا دندان طمع را از جهانگشائی بکند و سر جای خود بنشیند .

بنام اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی

بقیه از صفحه اول

زمین شد ، شش و آسمان گشت هشت ، ولی افراد من مردم زمختی هستند از سی روز خدا ، جنگ کنان عبور کرده و آزموده شده اند از شلیك تیر اندازی نمی ترسند و از میدان بدر نمیروند . گولی این یك کف دست زمین را بدندان گرفته وحفظ میکنند سر کردهم باتانکها وتوپ های خود روی خویش از آتست رود خانه گمکشان میکرد خلاصه حملات متواتر آلمانیها را دفع میکردیم ، مرمذاردیم بعد از هر حمله شدت آتش افراد می ضعیف تر میشود پیش خود گفتم یقین دارم زیاد تلفات میدهم اند شیدم ناصب پایداری کنم وتاب بیاورم بعد کمك خواهد رسید ناگهان شنیدم . . . .

سخن وی که باینجا رسید سر کرد ناگهوف وارد گفتگو شد و گفت

بگذارید من باقی داستان را بگویم . شما توی خندق رابین ترازسطح رود نشسته بودند فقط می شنیدید ولی من از ساحل دیگر رود خانه بروی اتفاقی قرار داشتم از توی تانك همه چیز را می دیدم ناگهان دیدم که برفراز مواضع توپخانه آلمانی هاهیزهائی ، ناهیز شد ، از کجا آمدن که میزن اندازه ادامه پیش خود اندیشیدم این چه واقعه عجیبی است ؟ خود آلمانیها هم توجه کردند که کسی از عقب جبهه خودشان میزن بر پیشان می باشد

در این هنگام سروان کلام وبرا قطع و چنین گفت

آنوقت دیگر آلمانیها بسوی ما تیر اندازی نکردند بدون اینکه با چه در قسمت آلمانیها میگذرد اعتنائی کنیم فرمان دادم افراد من درعرض رود طناب بکشند ورابطه دو ساحل را بوسیله قایق برقرار سازند و خودم برفراز اتفاقی شدم و منظره عجیبی دیدم از جنگل کوچکی مردمی غیر نظامی که هر یك بلباسی ملبسند از بالاتلی گذشته وبسوی ما میدوند . بعضی ما کومی نزون آبی بتن داشته وبرخی لباس راه راه پوشیده بودند میدویدند و تفنك رادردست تکان داده و (هورا) میکشیدند بیچ نمی فهمیدم کیستند واز کجایند . بافرادم دوم فرمان دادم تیر اندازی نکنند . شلیك دیگر معنی نداشت میدیدم که از خود مانند وتجاتمان داده اند .

آلمانی کجاترین بودند به افراد من رسیده و یکدیگر را در آغوش می کشیدند و فریاد میکشیدند .

« عزیزان ! تماشا کنید — کجا با هم برخوردیم . . . . میدهمه بازو بند قرمزی به بازو بسته و بروی آن کلمه « اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی » ارشته است ووی کلاهشان هم نوار قرمزی دیده میشد . پرسیدم . کیستید ؟

یکی از میان آنها بیرون آمد . مردی بود قوی هیکل و سرخ موخود را معرفی کرد و گفت . رئیس دسته پارتیزان « اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی » میباشد . پرسیدم واسته بکیستید ؟ و از کجا آمده اید ؟ جواب داد از مردم شوروی هستیم . آلمانیها ما را از نقاط مختلف باسارت آورده و در سهر دردزن در کارخانه های شیمیائی بکار گماشتند . وقتی از حمله ارتش سرخ اطلاع حاصل کردیم . مستحفظین را کشتیم و فرار کردیم و دسته پارتیزان تشکیل دادیم . و جنگ کنان خود را بخط جبهه رسانده ایم .

نخستین تقاضائی که از من کرده این بود که همه میخواهند وارد ارتش سرخ شوند و آیا ما ایشان را خواهیم پذیرفت یا خیر ؟ من گفتم . « قبول میکنند . بعد او هم صدای بلند این سخن مرا برای افراد خویش تکرار کرد .

بعضی شنیدن این سخنان فریاد وهورا بر آوردند و تفنك هارا به حرکت در آورده و یکدیگر را درآغوش کشیدند سروان کوسنوف گفت . آری مردم شوروی چنینند . ده بار توی خم فایا و تیرآب بیندازش باز همان است که بود — همان مرد شوروی است دلیر و جنگجو ، داستان این بار بزبان ما را که در ظرف قریب یکماه در پشت جبهه آلمان ما مشغول عملیات بوده ایم از خود ولیس دسته بیش سرافیم آندریوچ شومی لین شنیدم .

ساعتها وی در قسمت حمل و نقل کارخانه فاز سازی ماربوپول کارمیکرد و سپس بردهای بود بشماره ۸۱۶ مکرر که در کارخانه شیمیائی فاربن ایندوستری نزدیك دردزن بکار وا داشته بودند . دژخیمان آلمانی قلعه سینه این مرد سطبر و نیرومند را شکسته بودند و اکنون که حرف میزد سرفه کلامش را قطع میکرد و در دستمالش خون تف می کرد .

هوسلین چنین میگفت . از اینکه در خاك وطن آلمان بر ما چه گذشت زیاد سخن نمیگویم . وضع زندگی ما بهتر از اسیران دیگری که شبانه روزی ۱۶ ساعت کار میکردند نبود . بازرسان و نگهبانان - هفتهائیکمرتبه کتك روزی یك لیتر آب چندین و مرگ از گرسنگی این بود برنامه مرگ و زندگی ما . همه افسوس می خوردیم که چرا نتوانستیم اگر پاره روزنامه ای در جیب ما می یافتند به بدترین شکنجه ها محکوم میکردند .

با اینهمه ما میدانستیم که ارتش سرخ حمله میکند . چشم براه . امید وار بودیم و کم کم مهیای شدیم . هم از ماه ژانویه معلوم شد که وضع آلمانی ها خوب نیست .

هزاران نفر فراری شهر را ترك و از کنار کارخانه ما گذشته و بایستگاه راه آهن روی می آوردند . ما فهمیدیم که کار آلمانی ها زار است و فهمیدیم که وقت است ! یکروز هوا پیما های انگلیسی بشهر حمله کردند و ماروسی ها از هرج و مرج و اضطراب استفاده کرده و با دست خالی - باسلاح آخر به مستحفظین حمله ور شده و در ظرف نیم ساعت همه را کشتیم و بعد از حصار سیم خاردار عبور کردیم همگی که از هزار نفر بودیم بجنگل دردزن فرار کردیم .

. . . . شب در جنگل نزدیك دردزن کارگران شوروی تصمیم گرفتند دسته پارتیزان تشکیل دهند . و این دسته را بنام میهن وش یعنی « اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی » نامیدند این مردم بی سلاح که جز نفرت و کینه بدشمن و عشق بمیهن خویش نداشتند . ولی داشتند مصمم شدند از اسیران بر جمعیت ساکسونی و سیاری مدالی گذشته و به استقبال ارتش سرخ شتابند . این دسته در ۱۹ ژانویه تشکیل گشت و درهمان روز نخست باستگاه کوچکی که توقف گاه قطار های کالا بود در مشرق دردزن حمله کرد .

آلمانی ها قطارهای حامل مهمات را برای فرار از میاران باین ایستگاه آورده بودند . پارتیزان ها با حلبله و «هورا» دوحالیکه فقط با ۱۸ تفنك و سه تفنك مسلسل که از مستحفظین گرفته مسلح بودند وارد ایستگاه شدند . نیروی جنگی پارتزان ها ناچیز بود و ایستگاه از طرف یك گردان مخصوص مستحفظین راه آهن محافظت میشد . ولی غریو «هورای» رهد آسای روسی که بهنگام شب برآمد چنان نگهبانان را لرزاند که تقریبا بدون اینکه مقاومتی ابراز دارند فرار پیش گرفته و سلاح بسیاری را دست نخل قراولی جا گذاردند . دسته پارتیزان « اتحاد شوروی » جنگ کنان از جنگل ها گذشته

در جبهه اول او کراین

سربازان شکست ناپذیر هیتلر که دسته دسته باسارت ارتش سرخ در آمده اند هنگام عبور از رودخانه اودرپده میشوند

جواب نامه سر گشاده آقای حساس گمنام را در شماره آینده مطالعه فرمائید

بسوی خاور پیش رفت مسلح شد واز جهت تعداد پیروزی گشت واسیران دیگر شوروی را دربین راه خویش آزاد کرد وآنان بدان پیوستند .

سیل پیشانهای فراریان از خاور بسوی قلب آلمان درطول جاده هاوخاك ریزهای راه آهن سرازیرشده وقراه و شهرها را مملو ساخت . . .

این وضع بحال پارتیزانها مساعد بود ودستگیری آنانرا ممتنع ساخته بود . دسته مزبور همواره در حرکت بود و پیکارهای دوخشانی میکرد . در زیر حصار کالاکو انبارهای توپخانه را آتش زد — پل رودخانه اشیره را منهدم کرد یك کاروان اتومبیل های باری وا که حامل دستگاه های دقیق علمی کارخانه شیمیائی بود فلج و قبح کرد . قطاری را در راه آهن دردزن — گوتیوس — منهدم ساخت وبسیاری کارهای بزرگ و کوچك دیگر انجام داد . وقتی دسته مزبور به خط جبهه رسید کاملا مسلح بود . نه تنها فردا فرد دارای سلاح وتارتك بودند بلکه مین اندازهائی نیز داشتند .

بالاخره هنگامی که پارتیزان ها همهمه ابرد وغرش آشنای توپ های عزیزروسی را شنیدند گوئی پاداش سال ها مصیبت زندان آلمانی و محرومیتهای متحمله درطی پیکارهای اخیر را دریافت داشته اند . موقع مناسب را انتخاب واز پشت سر بگروه سربازان آلمانی که حمله متقابله آغاز کرده بود . ضربه مهلکی وارد آورده وبا افراد سروان کوستوف دستیاری کردند تا سربلی را که برکنار رود تهیه کرده اند تقویت کنند .

سرافیم آندریوچ پس از نقل این داستان سرفه شدید ومتمدی کرد که از سینه خرد شده اش با زحمت بسیاری خارج میشد . سپس از گلویش خون فرو ریخت . این مرد سطبر و نیرومند از زندان آلمانی بکلی ناچیز و مفلوك ساخته بود . ولی اکنون دیگر به ناتوانی خویش نمی اندیشد . تلاش پر ارزشیه بوده افراد ش او دراورتش سرخ پذیرفتند — آرزوی ایشان برآورده گشت — سخنان سروان کوستوف که میگفت مردم شوروی را در پارتوی خم قلبا بیند از ته باور هماشه که بودند بیاد آوردم .

www.iran-archive.com

آگهی

ترجمه بفارسی افسانه های منتخب افسانه نویس معروف روسی ای . آ . کریلوف با گراور های متعدد از انتشارات خانه فرهنگ (وکس) منتشر گردید در کتابفروشی ها و گیوسکیهای روز نامه فروشی ذیل بفروش میرسد

کتاب فروشی های - «ابن سینا» «آکاسیا» «آذر» «دانش» و «آلکو»

گیوسکیهای روز نامه فروشی — سر چهار راه لاله زار و چهار راه اسلامبول و ایستگاه طهران .

ش ۳۹۶ — ۲-۷

قیمت هر جلد ۷ ریال